

راز زار

(پژوهشی بر باورها و آیینهای «اهل هوا» در بین ساکنان جنوب ایران)

پیمان راعی^۱



«سود رسان»^۲ و دیگری را دیو «زیانکار»^۳ می‌انگاشتند. با ظهور اسلام این پنداشتهای ابتدایی با برخی از اعتقادات دینی درهم آمیخت. بدین ترتیب باور به ثنویت بادهای در اندیشه و ذهن مردم مسلمان نیز پدید آمد. در فرهنگ اسلامی نیز، برداشتی کم و بیش مشابه «جن» دربارهٔ باد وجود دارد. علامه مجلسی بنابر حدیثی باد را کنایه از جن گرفته و آن را «بادجن» نامیده و بیماری «ریح الصبیان» یا «بادکودکان» را در اثر بادجن دانسته است (بلوکباشی، ۱۳۶۷: ۴۸۰-۴۷۸/۱۰).

بخش قابل توجهی از ساکنان نواحی جنوب ایران را سیاهان - اصیل یا دو رگه - تشکیل میدهند که در گذشته، بعنوان برده، بدین نواحی آورده شده‌اند. با انتقال این برده‌ها بسیاری از آداب و رسوم و معتقدات آنها نیز به سرزمینهای جنوبی راه یافت. این آداب و رسوم و معتقدات، ضمن اختلاط

زندگی سخت، طاقت‌فرسا و یکنواخت ساحل‌نشینان جنوب ایران، شرایط مساعدی را برای بروز پریشانیهای خیال و ناهنجاریهای روانی فراهم میکند. اعتقاد بوجود نیروهای مرموز ماوراءالطبیعه در تمام مناطق ساحلی جنوب ایران - از خوزستان تا بلوچستان - وجود دارد. این نیروها از نظر مردم این نواحی اصطلاحاً «باد» نامیده میشوند (درویشی، ۱۳۷۸: ۱۹). این بادهای قدرتهایی هستند که دنیای درون خاک و برون خاک، همه در اختیار آنهاست؛ تمام موجودات خیالی و همهٔ آنهایی که به چشم نمی‌آیند؛ پریها؛ دیوها؛ ارواح نیک و بد؛ همه باد، خیال یا هوا هستند. آدمها همه اسیر و شکار این بادهای خوب و بدند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۳۱).

در دوران باستان، ایرانیان به دو باد با شخصیتی واحد، لیکن با سیما و خصلتی دوگانه اعتقاد داشتند و یکی را ایزد

۱. ایزد ویو Vayu.
۲. دیو ویو.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی (عمومی)، بنیاد ایران‌شناسی - دانشگاه شهید بهشتی.

اهل هوا نشانه‌های بیماری بادزدگی، بنابر نوع بادی که بیمار را تسخیر کرده فرق میکند (همانجا).



انواع باده‌ها

باده‌ها بنابر حوزه جغرافیایی و شکل و ویژگی آنها، به چند گروه تقسیم میشوند.

همانطور که گفته شد، باده‌ها را به دو دسته مسلمان و کافر تقسیم کرده‌اند. باده‌های مسلمان را صالح و بینا می‌پندارند. این باده‌ها، با چشم باز راه می‌روند و از همه چیز آگاهند. اگر بتوانند آن باد را از مرکبش پایین بیاورند و آن را تسخیر کنند از تمام دنیا خبر میدهد. اهل هوا باده‌های مسلمان را، باد صاف و آرام و بی‌زیان میدانند و باده‌های کافر را کور و ناصالح می‌انگارند. باده‌های کافر همه چیز را سر راه خود ویران میکنند. اهل هوا این باده‌ها را ناصاف، ناآرام و زیانکار می‌انگارند و معتقدند که باده‌های ناصاف، مرکب‌های خود را آزار می‌رسانند و گاهی هم هلاک میکنند. باده‌های کور را در مجالس مخصوص جن‌زدایی از مرکب به زیر می‌آورند و بینا، صاف و بی‌زیان می‌کنند (همانجا).

ریاحی براساس مردم‌نگاری که در نواحی بلوچستان به انجام رسانده است، ارواح را بر حسب شکل و نحوه عمل و شدت عمل و سایر خصوصیات به پنج گروه تقسیم میکند که عبارتند از:

۱. زارها: ۱۵ نوع هستند که یکی از مهمترین آنها «ارنوند»^۵ است که پدر تمام زارهاست و دیگری «برسات»^۶ که مادر تمام زارهاست. بقیه زارها فرزند این دو زار هستند (ریاحی، ۱۳۵۶: ۳-۴).

با رسوم و عقاید بومیان جنوب ایران، بتدریج اینجایی شدند و رنگ و بوی اسلامی شدیدی یافتند، بگونه‌یی که آنچه در مناطق ساحلی جنوب ایران شکل گرفت، تا حد زیادی با آنچه که در زادگاهش، آفریقا، وجود داشت، تفاوت یافت. با اختلاط نژادها، اعتقادات سیاهان بتدریج به گروه‌های اجتماعی دیگری از بومیان جنوب ایران راه یافت (درویشی، ۱۳۷۸: ۱۹).

مسکن اصلی باده‌ها در درجه اول، آفریقا و در درجه دوم، سواحل هند و عربستان و جزایر آن و بالاخره ایران است (ساعدی، ۱۳۴۵: ۳۲). شخص مبتلا به باده‌ها را «مرکب» یا «فرس» آن باد می‌گویند و باده‌های سوار را «هبوب» نامیده‌اند که لفظ عربی این کلمه است و در زبان ساحلی به «په‌په»^۴ مشهور است (همان: ۳۴).

«اهل هوا» در باور عامه به کسانی می‌گویند که به تسخیر باده‌های جادویی و مرموز بیماری‌زا درآمده و از گزند آنها رسته و آزاد شده‌اند. ساحل‌نشینان جنوب ایران برآنند که اهل هوا در تمام طول عمر، مرکب (فرس) باده‌های رام شده در دورن خود و میانجی و وسیله ارتباطی با آنها هستند (بلوکباشی، ۱۳۶۷: ۴۸۰-۴۷۸/۱۰).

باده‌ها همچون آدمیان یا مسلمان هستند یا کافر. باد چه کافر باشد و چه مسلمان، وقتی سراغ کسی رفت او را مرکب خود ساخته، دیر یا زود مریض و هوایی‌اش میکند؛ اما باده‌های کافر بیشتر مودی و خطرناکند، چنانکه ممکن است مرکب خود را هلاک هم بکنند؛ اما کمتر دیده شده که یک باد مسلمان مرکب خود را به نابودی بکشاند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۳۴). باده‌ها همه مسری و قابل انتقال هستند. اگر کسی یک نفر را زیاد دوست داشته باشد، میتواند بادش را به او بدهد یا از وی بگیرد. همچنین آنهایی که از هم متنفرند یا به هم کین می‌ورزند.

باد کسی را می‌زنند که به درون جسم او برود و او را تسخیر کند. حلول جن‌باد در شخص، رابطه‌یی میان آن دو پدید می‌آورد. بیمار جن‌زده در حالت بیماری، وضعیت خاص و تازه‌یی مییابد که معمولاً با رفتارهای نابهنجار و رعشه و حمله‌های خفیف و اختلالهای عضوی همراه است. در میان

5. Arnavand.

6. Barasât.

4. Pepe.

درمانگری بادها

برای رهایی از درد و شکنجه یک باد، باید پیش بابا یا مامای آن باد بروند. هر باد برای خود یک بابا و یک ماما دارد. بابا و ماما حرفه خود را از پدر به ارث میبرد. همه این باباها و ماماها، بدون استثنا سیاه اصیل یا سیاه دو رگه هستند. یک بابا ممکن است بابای یک باد باشد؛ مثلاً، بابای زار یا بابای نوبان و یا بابای چند باد (همان: ۳۴).

برای رهایی شخص مبتلا از چنگال بادها، به مراسم خصوصی نیاز است که این مراسم را «بازی کردن» یا «مجلس» میگویند و برای هر باد، آداب و رسوم جداگانه‌یی وجود دارد. شخص مبتلا بعد از مراقبتهای لازم و اجرای مراسم است که در جرگه «اهل هوا» درمی‌آید و تا آخر عمر به مرکب رام‌شده‌یی، برای بادی که بخاطر فدیهای فراوان، آرام و صاف و بی‌نا شده، تبدیل میشود و در عوض ناراحتیها، صفا و آرامش مطلوبی به مبتلای خویش میبخشد (همان: ۳۷).

مجلس زار

آداب و آیینهای مجالس زیرکردن بادها، با توجه به نوع باد در مناطق مختلف متفاوت است. در اینجا برای نمونه مجلس زار به اختصار توضیح داده میشود:

قبل از مراسم اصلی، در اصطلاح اهل هوا «بازی زیرکردن باد» انجام میشود. بعد از آن، مراحل چندی از جمله: نیت کردن؛ گذراندن دوره حجاب بیمار؛ خوراندن و مالیدن انواع معجونها و داروهای مخصوص (گره‌کو)^{۱۱} به تن بیمار؛ دادن بخورهای مخصوص و راندن جن از کالبد بیمار انجام میشود. بعد از انجام این مراحل، نوبت به مجلس اصلی میرسد که «مهیار کردن» و «زیرکردن باد» نام دارد و ممکن است از چند ساعت تا چند روز به درازا بکشد. از ملزومات این مراسم، دهله‌ها؛ گشته‌سوز؛ کندروک درمانی؛ سفره گسترده‌یی از غذا و خرما و نیز خون قربانی است که به درخواست زار مهیا میشود. قربانی معمولاً بز، گاو و حتی خروس است (درویشی، ۱۳۷۳: ۲۱).

۲. بادها: ۱۲ نوع هستند (همان: ۱۵).

۳. جنها: جنها یا کافرند یا مسلمان و مانند سایر ارواح خبیثه، به آدمیزادگان آزار میرسانند که خود آنها نیز پنج نوع هستند (همان: ۲۳).

۴. دیوها: همگی کافرند و از تمامی ارواح خبیثه بیرحمت‌ترند.

این دیوها دو نوعند: دیو سیاه و دیو سفید (همان: ۲۷).

۵. مشایخ: به بزرگان و پیرانی میگویند که دارای پیروان فراوان هستند و مقبره آنها زیارتگاه محسوب میشود و هر ساله به مناسبتهای مختلف (مربوط به این مشایخ مراسم)، در جاهای مختلف برپا میشود. اگر کسی درباره مشایخ تردید کند و به آنها ناسزا گوید، مشایخ او را بیمار میکنند و برای بهبودی بیمار، باید مجالس «مولود» برپا ساخت. بر خلاف زارها و جنها و دیوها که بیشتر آفریقای بودند مشایخ، بیشتر عربی و آسیایی هستند (همان: ۲۸).

بادهای عمده و مشهور عبارتند از:

۱. باد زار^۷: همه کافرند، بجز عده معدودی که روی هم رفته همه را «باد سرخ» میگویند.

۲. نوبان^۸: بادی است که شخص را علیل و بیحرکت و افسرده میکند.

۳. مشایخ^۹: بادهای مسلمان و پاک که عده‌یی از آنها خطرناکند و عده‌یی نیز بی‌خطرند.

۴. باد جن: همه زنجیری و مضراتی^{۱۰} و خطرناکند.

۵. باد پری: که دو نوع هستند، پریهای کافر و پریهای اهل حساب.

۶. باد دیو: در بیابانها و جزایر پیدا میشود و به آدم که بر خورد کند، همان دم بیجان و خشک میشود.

۷. باد غول: که از دور همچون شتر مستی پیدا میشود و هر کس را که سر راهش باشد، بیجان میکند.

از بین این بادها، سه باد اول شیوع بیشتری دارد (ساعدی، ۱۳۴۵: ۳۶-۳۷).

7. Zâr.

8. Nobân.

9. Mašâyex.

۱۰. مضراتی: به بادها یا جنهایی گفته میشود که همیشه اسباب ناراحتی هستند و کمتر صاف میشوند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۷۶).

۱۱. گره کو. Garaku. دوایی است که در بخوردن میریزند و کسی که زار داشته باشد، یا باد دیگر، قبلاً با آن بخورش میدهند (همان: ۱۶۳).

بکوبند و زیر نیاید، آن وقت هفت شبانه‌روز میکوبند. اگر باز هم زار پایین نیاید، هفت شبانه‌روز میکوبند، اگر باز پایین نیاید، دیگر او را رها میکنند و مثل یک کافر یا مرتد با وی رفتار میکنند؛ یعنی از او دوری میکنند و او را نجس میدانند و چنین کسی را «تَهرن»^{۱۴} میگویند. تهرن خیلی کم دیده شده است. در تمام بادهای تهرن پیدا میشود؛ ولی بیشتر در بادهای زار و نوبان وجود دارد (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۷۲).

آنچه در اینجا آورده شد، تنها خلاصه‌یی، برای آشنایی بیشتر با بخشی از میراث معنوی ساکنان جنوب ایران بود. مسلم است که پژوهش در راستای شناخت قلمرو اعتقادی به این باورها و همچنین بررسی دقیقتر آداب و رسوم برگزاری مراسم، موسیقی، اشعار و سازشناسی آنها نیازمند پژوهشهای میدانی و کتابخانه‌یی گسترده‌تر است که امید است، در آینده مجال آن فراهم آید.

منابع کتاب

- درویشی، محمدرضا؛ *آیین و آواز*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۶.
- _____؛ *مقدمه‌یی بر شناخت موسیقی نواحی ایران*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه هنری)، ۱۳۷۳.
- _____؛ *موسیقی و خلسه، ذکرهای مراسم گوانتی بلوچستان*، تهران: موسسه فرهنگی هنری ماهور، ۱۳۷۸.
- ریاحی، علی؛ *زار و باد و بلوچ*، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.
- ساعدی، غلامحسین؛ *اهل هوا*، تهران: موسسه مطالعات تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۵.
- شریفیان، محسن؛ *اهل زمین، موسیقی و اوهم در جزیره خارک*، تهران: نشر و تحقیقات قلم آشنا، ۱۳۸۱.
- مسعودیه، محمدتقی؛ *موسیقی بلوچستان*، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۴.

مقاله

- بلوکباشی، علی؛ «اهل هوا»، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، ۱۳۶۷.

در آغاز مجلس در «گشته‌سوز»^{۱۲} آتش میریزند و مقداری کندروک درمانی را در آتش دود میکنند. بابا یا ماما با تکان دادن «خیزرانی»^{۱۳} که در دست دارد، مجلس بازی را شروع میکند. او سراغ یکی از دهله‌ها و اغلب «مودندو» می‌رود و شروع به دهل زدن و شعر خواندن میکند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۴۵). بابا آواز را با ریتمی ملایم شروع میکند. دهله‌ها آرام آرام به نواختن آغاز میکنند و جملگی اهل هوا آوازها را پاسخ میدهند. هر آوازی مربوط به یکی از زارهاست. با خواندن آواز و اشعار زاری که در کالبد بیمار است، بیمار واکنش نشان میدهد. جنباندن سر بتدریج به حرکاتی تند منجر میشود و بیمار کم‌کم به حالت لرزه و خلسه درمی‌آید (درویشی، ۱۳۷۳: ۲۱). در این موقع صدای دهله‌ها، بیشتر اوج گرفته و آوازها بلندتر میشود (ساعدی، ۱۳۴۵: ۴۷). در اوج بازی که گاه آن را «جوش زار» هم میگویند، باد بسیاری از اهل هوای حاضر در مجلس نیز یکی پس از دیگری طلوع میکند. در این مرحله آوازها از تحرک و جنب و جوش بیشتری برخوردارند و در عین حال شادتر میشوند. دهله‌ها با تمام قدرت کوبیده میشوند. زنان تخته و یا دست میزنند و میخوانند. در اوج بازی و معمولاً پس از مراسم، زار به سخن درمی‌آید. بابا از او میپرسد که کیست، از کجا آمده و نامش چیست. زار نیز پس از معرفی خود، خواسته‌هایش را میگوید و بابا تعهد میکند که در آینده خواسته‌های باد برآورده شود. پس از گرفتن این تضمین، باد زیر شده، مرکب خود را دیگر آزار نمیدهد و در اصطلاح اهل هوا صاف میشود.

تعداد دهله‌ها برای هر زار معمولاً متفاوت است. هر زار نیز آوازها و شعرهای مخصوص بخود دارد. زبان شعرها مخلوطی از واژه‌های عربی و ساحلی و بندرت فارسی است. از نظر ملودی و ریتم، بطور کلی خصوصیات موسیقی آفریقایی بر آن حاکم است (درویشی، ۱۳۷۳: ۲۳-۲۲).

اگر کسی دچار یکی از زارها باشد و زارش را سه شبانه‌روز

- ۱۲. گشته سوز. Gaštesuz. بخوردان را میگویند که انواع و اقسامی با دیواره‌های مشبک دارد. گشته‌سوز را بیشتر در بندر خمیر درست میکنند و به جاهای دیگر میبرند (همان: ۱۶۴).
- ۱۳. تمام اهل هوا یک خیزران دارند و هر باد یک خیزران ویژه (همان: ۱۶۰).